



دکتر سیاوش گلابی

## جامعه‌شناسی توسعه و نگرش سیستمی

### ۱ - درآمدی بر طرح موضوع

نظری گذرا به تاریخ تحولات اجتماعات بشری نشانگر روند بغرنج و پرفراز و نشیبی می باشد که «انسان» این متکامل ترین موجود جهان خلقت و هستی در آن طی طریق نموده است. انسان با قدرت تعقل و تفکری که خداوند در نهاد وی به ودیعه گذاشته و در نبرد با طبیعت و محیط پیرامون، هم تداوم حیانش را ممکن ساخته و هم طبیعت بی جان و جامعه را دگرگون و متحول نموده و از خلال این کارزار پر تضار یص، زندگی مادی و معنوی خود را تکامل بخشیده و خود را به قله رفیع «انسانیت» نزدیک و نزدیکتر نموده است.

«انسان» این موجود ابزار ساز پس از طی مراحل تکوین زیستی و تکوین اجتماعی، در این مرحله، تکوین فکری و عقلی را می پیماید. در جهان علمی و تکنولوژیکی اکنون و آینده باید با انسان طراز نرین خردورز و خردگرائی اندیشید که با قدرت تعقل و تفکر عرصه‌های رفیعی از علوم و تکنولوژی را تسخیر نموده و در این راستا، پیروزیها و دستاوردهای شگرفی را بارمغان خواهد آورد.

نظر گاه محدود، ساده و تحلیلی انسان اولیه به دیدگاه وسیع، گسترده و عینی و علمی انسان امروز تحول یافته است. انسان امروزمین دیگر جهان را مملو از پدیده‌ها و امری بی نظم و نامعما هنگ نمی پندارد، بلکه به قانونمند یهای حاکم بر طبیعت، اجتماع و فکر و اندیشه، باور حاصل کرده است.

انسان با کشف قانونمند یهای حاکم بر امور و پدیده‌ها و پایه گذاری علوم و یکارگیری آن در عرصه عمل (تکنولوژی)، راه تکامل اجتماع و رشد همه جانبه خود را فراهم می آورد. تحقق انقلابات علمی - فنی و نفوذ علوم و تکنولوژی در عرصه‌های مختلف حیات انسان تا حدی است که تداوم و تکامل حیات نوع انسان با آن پیوند استوار یافته است. از اینرو در جهان کنونی بررسی امور و پدیده‌های اجتماعی از جمله مسائل مربوط به سازمانها

و مؤسسات گوناگون، جامعه و مسائل بفرنجی نظیر مدیریت و عناصر متشکله آن نظیر سازماندهی، برنامه ریزی و هدایت ورهبری و کنترل و... را نمی توان بدون بهره گیری از اسلوبها و روشهای علمی حل و فصل کرد.

نتایج حاصله در زمینه های مختلف حیات انسانی نشانگر آنست که در بروز و پدید آمدن رخدادها و پدیده های مختلف در یک جامعه معین عوامل و فاکتورهای متعدد و در مقیاس وسیعی، کار ساز و تأثیر گذارند. مجموعه مؤسسات و سازمانهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نهادهای سیاسی، گروهها، اقشار و طبقات اجتماعی مختلف در یک جامعه در روابطی بفرنج و پیچیده درهم می آمیزند، برهم تأثیر می گذارند و از هم تأثیر می پذیرند. از اینرو در تبیین و تحلیل امور و پدیده های جامعه نباید و نمیتوان اولاً به یک سری مطالعات سطحی و ساده اکتفاء کرد و ثانیاً نمیتوان به یک یا حتی چند فاکتور فرعی اتکاء نمود. پدیده های مختلف اجتماعات بشری (که در اثر گستردگی ارتباطات بین المللی) افق وسیعتری نیز یافته اند را، تنها از طریق یک سری مطالعات و تحقیقات جامع و علمی و با بهره گیری از اسلوبها، روشها و تکنیکهای مشخص میتوان بازشناسی نمود و علل و حد و حدود و کمیت و کیفیت آنان را مکشوف ساخت.

پدیده های مختلف انسانی، فنی و فیزیکی در سازمانهای مختلف (و در کل جامعه) بهم مرتبط بوده و درهم مؤثرند. قانونمندی عام و عملکرد کلی را باید در جمع بندی مجموعه عوامل پدیده ها و تجزیه و تحلیل جامع آنان بدست آورد. تفکیک عوامل پدیده ها و عناصر مختلف یک سازمان و یا بررسی جداگانه سازمانها در یک جامعه (بدون توجه به بستر و متن و زمینه کلی و ارتباطات و تأثیرات متقابل آنان) جز نتایجی غیر واقعی حاصلی نخواهد داشت.

واقعیت ها پدیده های مختلف اجتماعی (به مفهوم عام) و عوامل طبیعی در جوامع، انسان را همه سویه فرا گرفته اند. انسان در حقیقت از خلال نمودها و واقعیت های اجتماعی و طبیعی، خود زندگی اش را فرم و شکل داده و می دهد. در این میان این پدیده های اجتماعی است (بر خلاف پدیده های طبیعی) که موجودیت و ماهیت وجودی اش با نوع انسان و بویژه با زندگی اجتماعی انسان، رابطه مستقیم و پیوندی ارگانیک (عضوی) دارد.

از طرف دیگر، پدیده های اجتماعی، مقید به زمان و مکان می باشند. خصیصه در پدیده های طبیعی وجود ندارد. اصل قانونمند بودن پدیده های اجتماعی (نظیر قانونمندی نمودهای طبیعی) جنبه ای عام دارد. بعبارت دیگر واقعیت های اجتماعی، تحت تأثیر قوانینی که از ویژگیهای درونی و روابط بالنسبه پایدار بین اجزاء پدیده ها ناشی می شود، قرار دارند. این خصیصه در کلیه پدیده های اجتماعی در تمام مکانها و زمانها صادق است.

اما اولاً، عوامل مؤثر در تحقق پدیده‌های اجتماعی در هر جامعه معین، پیچیده و بغرنج‌اند. یعنی پدیده‌های اجتماعی معلول یک علت نمی‌باشند، بلکه زنجیره‌ای از علل در پدید آوردن نمودها و واقعیت‌های اجتماعی مؤثر هستند. وثائماً هر یک از اجزاء (این زنجیره علل) با ضرب‌های مختلفی در پدید آوردن امور اجتماعی دخالت دارند.

همچنین ممکن است قوانین اجتماعی (چنانچه پیشتر اشاره شد) در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، نتایج مختلفی بیار آورند. بعبارت بهتر هر پدیده اجتماعی در یک زمان و در یک مکان معین، معلول علل خاصی است. لذا نمیتوان تحقق چنین پدیده‌ای (باعللی خاص در زمان و مکان [مشخص قبلی]) را به زمان و مکان دیگری تعمیم داد، حال آن‌که قیود زمان و مکان در پدیده‌های طبیعی نقش چندانی ندارند.

مسئله دیگر در این رابطه این است که قوانین امور اجتماعی به کمیت و کیفیت عناصر جامعه (نظیر گروه‌ها، اقشار، طبقات و نهادها و سازمانهای اجتماعی) نیز مربوط می‌شود. با توجه به اصول یاد شده و با توجه به خصوصیات پدیده‌های اجتماعی، که بصورتی گذرا به آنها اشاره شد، در شناخت دقیق واقعیت‌ها و امور اجتماعی باید به موارد ذیل توجه جدی مبذول داشت:

۱ - پدیدهای اجتماعی (بمفهوم عام یعنی هر آنچه که در عرصه جامعه تحقق می‌پذیرد) در سازمانها و مؤسسات مختلف و در کل یک جامعه معین، بعنوان عناصر پیچیده‌ای هستند که تحت تأثیر برآیند عوامل مختلف و (تحت تأثیر زنجیره‌ای از علل) که از ویژگیهای اجتماعی، فرهنگی و ساختار سیاسی - اقتصادی آن جامعه معین (و تأثیر عوامل جهانی در جهان یکپارچه حال و آینده) نشأت می‌گیرند تحقق می‌پذیرد.

۲ - واقعیت‌های اجتماعی بر پایه «اصل قانونمندی» استوارند. لیکن در عین حال پدیده‌های اجتماعی (مقید به زمان و مکان) هستند.

۳ - پدیده‌های اجتماعی (بمفهوم عام آن) بر پایه روابط اجتماعی انسان‌ها (در عرصه‌ها و زمینه‌های مختلف اقتصادی، تولیدی، اجتماعی و فرهنگی) و کنش و واکنش‌های آنها از یکسو و در تعامل متقابل با عوامل و سیستمهای مختلف فیزیکی و فنی و در هم‌آمیزی همه عناصر یاد شده از دیگر سو، استوارند.

۴ - قوانین حاکم بر پدیده‌های اجتماعی، در عین حال به کمیت و کیفیت عناصر اجتماعی تشکیل دهنده (نظیر کمیت و کیفیت گروه‌ها، اقشار و طبقات اجتماعی و نهادها و سازمانهای گوناگون) بستگی پیدا می‌کنند.

۵ - مسئله قابل توجه در این رابطه همانا عنصر «انسانی» و نقش آن در تحقق و شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی است. «انسان» مورد نظر، تنها عنصری فیزیکی و بیولوژیکی نمی‌باشد. «انسان» مورد نظر در عرصه پدیده‌های اجتماعی، عنصری فیزیکی،

بیولوژیکی، روحی و معنوی و مهمتر از همه «عنصری اجتماعی» است که بمشابه تنها موجود متعقل، متفکر و معرفت پذیر است که با کمیت و کیفیت و سطح آگاهی و معرفت خود، نمایانگر سطح تکامل جامعه خود می باشد و بالعکس سطح رشد و توسعه جامعه، نشان دهنده سطح تکامل فکری و عقلی اوست.

با توجه به توضیحات یاد شده، شناخت دقیق و معرفت کامل از قانونمندبهای حاکم بر واقعیت ها و نمودهای اجتماعی، فراتر از بررسیها و مطالعات محدود می رود.

به عبارت دیگر با مطالعات علمی که این یا آن جزء از اجزاء پیچیده و یغرنج پدیده های اجتماعی را روشن می نمایند، نمی توان به کنه امور و پدیده های اجتماعی دست یافت و قانونمندهای حاکم بر آنها را مکشوف ساخت. از این رو حیطه و محدوده مطالعات مربوط به پدیده های اجتماعی (بمفهوم عام و گسترده) به عام ترین دانش اجتماعی، یعنی جامعه شناسی پیوند می خورد.

این امر به آن معنا نیست که نتایج و دستاوردهای علوم خاص اجتماعی گوناگون (در عرصه امور اجتماعی نظیر اقتصاد، حقوق، سیاست و...) بی حاصل است. برعکس این اصل گویای این موضوع است که شناخت قوانین کلی و عامی که بر چگونگی زایش و رشد و تحول پدیده های اجتماعی حاکم می باشند را تنها از طریق مطالعات علوم خاص (که عرصه محدودتری از زمینه های امور جوامع را مطالعه و بررسی می کنند) نمی توان بدست آورد. جامعه شناسی به نتایج علوم مختلف (حتی علوم پایه نظیر ریاضی، فیزیک و شیمی، علوم مهندسی، بیولوژی، علوم تجربی و...) و بخصوص به نتایج علوم خاص اجتماعی (نظیر اقتصاد، سیاست حقوق و سایر علوم رفتاری و روانشناسی) و سایر علوم عام اجتماعی (نظیر مردم شناسی، تاریخ و...) سخت نیازمند است.

اصولاً پایه اصلی جامعه شناسی، در حقیقت بر نتایج بدست آمده از سایر علوم، بنیان نهاده شده است. علوم مختلف از جمله علوم خاص اجتماعی، قوانین خاص و محدود در زمینه های مختلف زندگی اجتماعی را کشف می کنند و جامعه شناسی با بهره گیری از نتایج همه دیگر رشته های علمی و با بهره گیری از نتایج علم تاریخ و مردم شناسی و... قوانین عام حاکم بر پدیده های اجتماعی و سایر تحولات زندگی اجتماعی را روشن می نماید.

## نگرش سیستمی و جامعه شناسی

در پی گیری سیر تحولات فکری در جامعه بشری به دو نظر گاه بر می خوریم:

نظرگاه تجزیه‌گرائی (یا اتمیسم) - و نظرگاه کل‌گرائی یا سیستمی. نگرش تجزیه‌گرائی یا اتمیسم بر این اصل استوار است که کلیه امور و پدیده‌های جهان را می‌توان به اجزاء و عناصر متعددی تقسیم نمود و برای شناخت کل هر پدیده، کافی است آن پدیده را به عناصر مختلف تقسیم نمود و هر عنصر آن را مورد بررسی و شناخت قرار داد، زیرا خاصیت کل در اجزاء آن نیز وجود دارد. نظرگاه اتمیسم، که یک نگرش ساده و مکانیکی به امور و پدیده‌هاست، گرچه در مقاطعی از سیر تحولات فکری و علمی، تأثیرات مثبتی داشته است، لیکن امروزه در تبیین و تحلیل پدیده‌ها (بویژه پدیده‌های اجتماعی به معنای عام) از اعتبار علمی چندانی برخوردار نمی‌باشد.

اصولاً سیر تحولات علمی و فکری در جوامع بشری، قانونمندی روابط متقابل بین سطح تکامل جوامع با سطح رشد فکری و علمی را نشان می‌دهد. اگرچه نظرگاه کل‌گرائی نیز به قدمت تاریخ جامعه بشری است لیکن چارچوب علمی تفکر سیستمی در قرن حاضر تدوین شده است.

در جهان کنونی تکامل اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و پیشرفت‌های شگرف در زمینه‌های علوم و تکنولوژی، عامل اصلی و پایه اساسی شکل‌گیری «تفکر سیستمی» است.

تبیین و تفسیر پدیده‌های مختلف از دیدگاه سیستمی، بر پایه نگرش جامع به مجموعه عناصر تشکیل‌دهنده و توجه به پیوستگی، کلیت و انسجام عناصر و اجزاء آن پدیده‌ها استوار است. نگرش سیستمی در بطن خود (در عین حال) نگرش تجزیه‌گرائی (اتمیسم) را هم جای داده است، لیکن از نظرگاه سیستمی، تجزیه عناصر و تحلیل ویژگی‌های آنها (در هر پدیده یا سیستم) در کلیت و یکپارچگی و روابط پایدارشان با یکدیگر و با کل پدیده مورد نظر است نه بصورتی انتزاعی و جدای از کل پدیده. نفوذ نگرش سیستمی در عرصه جامعه‌شناسی، عامل وحدت‌بخش بوده است. در جامعه‌شناسی سیستمی، نظرگاه مکاتب اصالت ساخت و اصالت کارکرد و تطورگرائی بصورتی یکپارچه بهم پیوند می‌یابند و با طرد و جوه افتراق، پایه‌های تئوریک جامعه‌شناسی سیستمی تحکیم می‌یابد.

مکتب جامعه‌شناسی اصالت کارکرد (فونکسیونالیسم) هر عنصر اجتماعی را در رابطه با کارکرد و وظیفه‌اش مورد مطالعه قرار میدهد و از طریق تحلیل ویژگی‌های کارکرد عناصر و اجزاء یک نظام، در پی کشف ساخت آن نظام است. مکتب اصالت ساخت (استرکچورالیسم) برعکس فونکسیونالیسم، از راه تحلیل ساخت نظام‌های اجتماعی (یعنی بررسی روابط بالنسبه پایدار و مستمر بین عناصر یک نظام) درصدد کشف قانونمندی حاکم بر کارکرد عناصر آن نظام است.

جامعه‌شناسی سیستمی (بمثابه جمع‌بستی از دستاوردهای علوم مختلف و تعمیم فکر تجربیدی اندیشمندان و محققان در زمینه پدیده‌ها و امور اجتماعی) از محدودیت‌های نظری مکاتب اصالت ساخت و اصالت کارکرد فارغ می‌باشد.

جامعه‌شناسی سیستمی با بهره‌گیری از اسلویها و روش‌های تحلیل ساختی - کارکردی و با استفاده از روش‌های گوناگون علمی دیگر (روش تحلیل تاریخی - تحولی و روش تطبیقی و ...) قانونمندی‌های عام و خاص حاکم بر پدیده‌های اجتماعی را کشف می‌کند.

جامعه‌شناسی مبنی بر نگرش سیستمی، به کلیه عناصر و اجزاء جامعه (نظیر گروه‌ها، اقشار و طبقات اجتماعی، نهادها و سازمان‌های اجتماعی) بعنوان سیستم‌های باز اجتماعی که با محیط پیرامون خود در یک سلسله روابط (داد و ستد) متقابل اند می‌نگرد.

به منظور درک قوانین عام حاکم بر امور و پدیده‌های اجتماعی باید به تحلیل ساخت و کارکرد هر یک از عناصر و سیستم‌های اجتماعی کوچک (در کل سیستم جامعه) و بررسی تأثیرات متقابل آنها پرداخت و مسیر تغییر و تحول و تکامل آنها را شناسایی نمود. این مهم وظیفه جامعه‌شناسی سیستمی است.

لیکن نظر به گستردگی عوامل گوناگون و پدیده‌های مختلف در جوامع امروزی، شاخه‌های تخصصی در عرصه جامعه‌شناسی (نظیر جامعه‌شناسی حقوقی، اقتصادی، دینی، سیاسی و جامعه‌شناسی آموزش و پرورش) پدید آمده‌اند که زمینه‌های محدود و خاص هر یک از نهادها و سیستم‌های اجتماعی کوچک (مانند نظام آموزش و پرورش) و اثرات متقابل هر یک از این پاره‌سیستم‌ها با سایر سیستم‌های اجتماعی را مورد مطالعه قرار می‌دهند.

اما بمنظور دستیابی بیک نتیجه همه‌جانبه و علمی، بررسی جداگانه هر نهاد یا پاره‌سیستم اجتماعی (در کل یک جامعه معین) را ضرورتاً باید در چارچوب تأثیرات متقابل سایر نهادها و نظام‌ها، و با ملحوظ نظر داشتن ویژگی‌های ساختی - کارکردی کل جامعه انجام داد.

در بخش‌های آتی این سری از مقالات، مقولات و مفاهیم مشخص تر جامعه‌شناسی از دیدگاه سیستمی را مورد بحث قرار داده و با اشاره به مهمترین مشکلات و نارسائی‌های جهان سوم به بررسی پدیده‌های گوناگون (بخصوص در راستای طرح مباحث مربوط به جامعه‌شناسی توسعه و تنگناهای آن در جهان سوم و ویژه کشورمان ایران) خواهیم پرداخت.